

[آمریکا در مقابل اراده مردم ایران "هیچ" هم نیست](#)



ابتدای سخن را با تبریک قرار گرفتن در ماه شریف و پر خیر و برکت ربیع الاول به ساحت مقدس امام عصر (عج) و تمام دوستان و پیروانش آغاز می کنیم و به پائیز "سلامی" می دهیم از نوع همدلی.

سلام بر روزهای زرد و نارنجی، به دل انگیزترین و حیرت انگیزترین حس باران و بوی خاک باران زده.

سلام بر برگ های نقش بسته شده بر سنگفرش های خیاباهای تر و سلام بر دگرگونی تمام جهان.

پائیز هم آمد... فصل ها عوض می شوند و مخلوقات جای خود را با یکدیگر عوض می کنند. جای آلو با خرمالو، جای گرمی با خُنکی، جای قرمزی با زردی و جای تفاهم با نقض و بی عهدی!

آری دوستان

امسال پائیز در ایران شکلی متفاوت از هویت اصلیش فاش کرد و رنگ خود را با دورویی و بد عهدی نشان داد. درست است که پائیز با "مهر" شروع شد ولی نیمه های پایانی اش را با "بی مهری" در حال سپری کردن است و اینگونه شد در ایران، "پائیز در پائیز".

اگر از حال و هوای امروز ایرانمان بگویم همین بس که غروب های پائیزیش سنگ تمام می گذارد برای دلهایی که به امیدهایی بسته شد، ولی افسوس که کدخدا یکبار دیگر چهره منحوسش را برای جهانیان به عرصه گذاشت و یکبار دیگر خوی ضد بشری و صهیونیستی و ظالمانه خود را نشان داد.

در اینجا نفس های پائیز به شماره افتاده و دلش سخت گرفته شده از تناقض و ریا، از نا مردی و جفا... آری صدای این نفس ها با صدای "خیش خیش" برگها یکی شده و با هم آواز نا عدالتی سر می دهند.

چه خوب می شد که می توانستیم ناراحتی ها و دل گرفتگی های ملت ایران را به برگهای درختان پائیزی آویزان کنیم به امید

آنکه چند روز دیگر از روی شاخه ها می افتند و نقش بر زمین می شوند و با جریان باران پاییزی به سمت "سد استقامت" ملت ایران روانه می شوند ولی افسوس که وزن این دردها آنقدر سنگین است که هیچ درختی تاب حمل این فشارها را ندارد و از شدت فشار هر لحظه ممکن است سر بر زمین نهد.

به راستی که پائیز امسال اوج خون به دل شدنها بود... از حملات مکرر تروریستی که باعث از بین رفتن زوار زیادی شد و تا اتفاق اخیر که به نقض توافق هسته ای از سوی آمریکا منجر شد.

آری باید گفت که تصویب یک بسته سنگین تحریم علیه ایران در کنگره آمریکا به مدت 10 سال، از نظر جامعه بین المللی بی اعتباری دولت آمریکا را نشان می دهد چون آمریکا بر خلاف تعهداتش عمل کرد و خوب است آمریکا بداند در مقابل اراده مردم ایران "هیچ" هم نیست و به یاد داشته باشد که:

دنیا همه هیچ و کار دنیا همه هیچ، ای هیچ ز بهر هیچ بر هیچ مپیچ.

همچنین بداند که ملت ایران از این حرکت او درس بزرگی گرفته است درسی با عنوان "نمی شود به آمریکا اعتماد کرد" و تا ابد این خیانت آنها را فراموش نخواهد کرد و بیش از پیش در مقابل خواسته های نابجای آنها می ایستد و با اتکال به فرمایشات رهبرشان در خصوص اینکه: ما باید به خود اتکا کنیم روی پاهای خود می ایستند و پاسخ این دهان کجی آنها را خواهند داد و تا پای جان برای خواسته های برحقشان ایستاده اند.
جملات پایانی ام را مزدوران و حاکمان و کدخداهای آمریکایی مخاطب فرار میدهم و بر قلم می فشارم آنچه که شایسته وجود نامبارکشان است:

ای خائن و مستکبران سر سپرده!

بدانید که دو قدم مانده که پائیز به یغما برود... این همه رنگ قشنگ از کف دریا برود... هر که معشوقه بر انگیخت گوارایش باد... دل تنها به چه شوقی پی یلدا برود؟"

بدانید که نصر من [] و فتح قریب پیروزی نهایی از ان ملت ایران است و دنیا و روزگار همیشه بکام زهرآگین شما نخواهد بود.

به زودی روزی میرسد که در مقابل امت ایران دست تسلیم را بالا برده و سزای اعمال خود را خواهید دید. آگاه باشید که «دیر یا زود بچه را از شیر می گیرند»، ان شاء [] روزی می رسد که حکم رانی و تاختن را هم از شما خواهند گرفت و پرچم اسلام مقتدرانه به رهبری ولی امر مسلمین جهان بر اوج قله های شکوه و عظمت برافراشته خواهد شد.

ای بی خردان هوشیار باشید که:

این برگ ها که روی آنها یورتمه می روید "تفاله" پائیز نیست... جنازه "بهاری" است که به خیال باطلتان برای خودتان ساخته اید و در آخر!

به امید روزی که باران پاییزی بیارد بر تمام دردها و بی مهری ها، و از ما جدا کند رویش های کهنه که ما تشنه از نو جوانه زدیم.

سیده زهره مجیدیان

انتهای پیام/ع